

- مظلومیت شخص امام حسین(ع) در سال 61 هجری تحقق پیدا کرد و این مظلومیت با شهادت ایشان پایان یافت و البته اثراش در تاریخ باقی مانده است، اما مظلومیت مرام ایشان هنوز زنده است. مثل اینکه همین الان هم امام حسین(ع) در کربلا محاصره باشد. یعنی ما در عزاداری‌های محروم و عاشورا، باید برای مظلومیت مرام حسین(ع)-که هنوز هم ادامه دارد- عزاداری کنیم.

در جبهه اشقيا، و دشمنان حسین(ع) هم بحث اشخاص مطرح نیست، بلکه بحث مرام است

- از سوی دیگر در جبهه دشمنان و اشقياء هم بحث یک نفر به نام یزید، یا عمر سعد یا عبیدالله بن زیاد نیست؛ این تقلیل دادن و خراب کردن ماجرا است! این عزاداری‌ها فقط برای مظلومیت شخص ابا عبدالله الحسن(ع) نیست، بلکه برای مظلومیت مرام و مکتب امام حسین(ع) هم هست. 20 میلیون زائر اربعین کربلا فقط به خاطر مظلومیت شخص امام نیست که به التهاب درمی‌آیند، بلکه مظلومیت شخصیت امامت و مکتب ولایت هم منظر است. اساساً عظمت مصیبت در این است که در عاشورا به یک امام ظلم کردند؛ وقتی مظلومیت امامت مطرح می‌شود یعنی مظلومیت مکتب، این مظلومیت باید برطرف بشود تا فرج حاصل بشود.
- ممکن است این شبهه برای برخی پیش بیاید که «دیگر بس است! حالا یک اتفاقی افتاده است و بیش از هزار سال از آن می‌گذرد، امام حسین(ع) هم خیلی خوب بود ولی دیگر بس است؛ به زندگی خودتان بپردازید!» در حالی که اينها اصل موضوع را درک نکرده‌اند؛ بحث مظلومیت امامت یعنی مظلومیت یک مکتب است.

- ما وقتی زیارت‌نامه می‌خوانیم، در متن زیارت‌نامه‌ها می‌بینید که بحث شخص مطرح نیست. مثلاً «زیارت‌نامه را این‌طوری شروع می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ أَدَمَ صَفْوَةُ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ تُوحِّيْدِ نَبِيِّ اللَّهِ...» (کامل‌الزیارات/206) یعنی جریان نبوت را مطرح می‌کنیم. یا این‌طوری سلام می‌دهیم: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ الْبُوْبَةِ» (من لایحضره‌الفقیه/2/610-610-زیارت جامعه کبیره) یعنی شما خانواده نبوت هستید؛ نه فقط خانواده نبی(ص). در اینجاها شما می‌بینید که جای پرداختن به مرام است و به ما توصیه شده که این‌طوری ارتباط برقرار کنیم.

هم امام حسین(ع) نماینده یک مرام و یک نظام بود، هم یزید/ یزید ممحصول یک نظام یا یک تمدن در حال شکل‌گیری بود؛ «تمدن اسلامی منهای ولایت»

- هم امام حسین(ع) نماینده یک مرام و یک نظام بود، هم یزید نماینده یک مرام و نظام بود. و آن رویارویی دو نظام با یکدیگر بود. یزید هم ممحصول یک نظام یا یک تمدن بود؛ تمدنی که در حال شکل‌گیری بود. و اتفاقاً تمدنی بود که نامش «تمدن اسلامی» بود اما یک «تمدن اسلامی منهای ولایت» که در حال شکل‌گیری بود. حدود پنجاه سال از این تمدن گذشته بود. این تمدن اولین قربانی خود را از اولیاء خدا گرفت تا بقیه انسان‌ها حساب کار خودشان را بکنند!

- این تمدن همه خوبی‌های دین را با خودش برداشت؛ غیر از موضوع ولایت. و بعد هم تمام این خوبی‌ها را به مرور در خودش مندرس کرد و از اسلام چیزی جز اسمش نماند. کمالینکه پیامبر(ص) فرموده بود که بعد از من اسلام به جای خواهد رسید که جز اسمش باقی امام حسین(ع) مظلومیت شخص ایشان نیست، بلکه مظلومیت مرام ایشان است و ایشان فدای این مرام شدند. اگر ما بتوانیم برای مظلومیت مرام حسین(ع) سوگواری کنیم خیلی ارتقاء پیدا کردہ‌ایم، شاید آن‌گریه و اشکی که از ما انتظار دارند، از همین جنس گریه و اشک باشد.

(308/8) کافی

دانشگاه تهران/مقصمات «تمدن مهدوی» در پیشتر تمدن غربی»-1

- پناهیان: هنوز از مرام و تفکر حسین(ع) رفع مظلومیت نشده/ بیام عمیق حسین(ع) به مظلومان تاریخ: اگر تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند، «جنگ تمدن‌ها» و «گفتگوی تمدن‌ها» شکل نخواهد گرفت، آنچه تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» است، فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن نیست

گفتگوی تمدن‌ها شکل نمی‌گیرد و اصلاً شکل گرفتی نیست، ساده‌لوحی است که انسان دعوت به گفتگوی تمدن‌ها کند، چون تمدنی که باطل باشد اهل گفتگو نیست. اگر در تمدنی، غلبه با باطل باشد، نمی‌شود با آن گفتگو کرد، شاید بشود می‌باشد، ولی نمی‌شود گفتگو کرد. مثلاً آیا الان غربی‌ها با تمدن اسلامی گفتگو می‌کنند؟ آیا این گفتگو است؟ مگر گفتگو با سربریدن امکان دارد؟! جنگ تمدن‌ها هم شکل نخواهد گرفت، چون وقتی تمدنی باطل باشد، خودبی‌خود فروپاشی و مضمحل می‌شود. مثل فروپاشی بلوک شرق؛ که جلوه‌ای از تمدن غرب بود. وقتی آن جلوه‌اش فرو ریخت، این جلوه‌اش هم فرو می‌ریزد؛ بچه که زدن ندارد! قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهْوًا» (اسراء/81) اصلًا از نیرد، سخن به میان نمی‌آید. فقط کمی زمان لازم است که بطلان آن تمدن، بیشتر اثبات شود و حقانیت این تمدن هم بیشتر به اثبات برسد.

در ادامه بخش‌هایی از اولین روز سخنرانی حجت‌الاسلام علیرضا پناهیان در مسجد دانشگاه تهران با موضوع «حرکت جهان به سوی معنویت و آسیب‌های آن» را به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بیان معنوی می‌خوانیم:

امام حسین(ع) را به‌خاطر مرامی که می‌خواست حاکم کند به شهادت رسانندن نه به‌خاطر دعوای شخصی

- کسانی که به امام حسین(ع) علاقه‌مند می‌شوند، طبیعتاً به مرام حضرت هم علاقه‌پیدا می‌کنند. اگر علاقه کسی محدود به شخص امام حسین(ع) باقی بماند و این علاقه را به شخصیت و تفکر امام حسین(ع) منتقل نکند، اولاً خودش از ظرفیت انسانی بالای بروخوردار نیست، ثانیاً به نوعی در حق امام حسین(ع) اجحاف کرده است.

- امام حسین(ع) با کسی دعوای شخصی نداشت و کسی هم با ایشان دعوای شخصی نداشت. بلکه ایشان را «دوست داشتند و کشتند» کمالینکه گفتگه‌اند: «فَلَوْبَهُمْ مَعْهُ وَ سَيُوقَهُمْ عَلَيْهِ» (هیوٰف/62) یعنی شخص امام حسین(ع) را می‌شناختند و دوست داشتند ولی ایشان را به شهادت رسانندند؛ بهدلیل اینکه امام حسین(ع) داشت یک مرامی را حاکم می‌کرد که آن مرام را نمی‌پذیرفتند.

باید برای مظلومیت مرام و اندیشه حسین(ع) هم سوگواری کنیم، هنوز از مرام و تفکر حسین(ع) رفع مظلومیت نشده

ما وقتی در محرم برای مظلومیت امام حسین(ع) سوگواری می‌کنیم باید برای مظلومیت مرام و تفکر و اندیشه او هم سوگواری کنیم. چون هنوز هم از مرام حسین(ع) رفع مظلومیت نشده است، اینکه عاشورا و محرم هر سال زنده است، بهدلیل این است که مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت شخص ایشان نیست، بلکه مظلومیت مرام ایشان است و ایشان فدای این مرام شدند. اگر ما بتوانیم برای مظلومیت مرام حسین(ع) سوگواری کنیم خیلی ارتقاء پیدا کردہ‌ایم، شاید آن‌گریه و اشکی که از ما انتظار دارند، از همین جنس گریه و اشک باشد.

برخی می‌گویند: «در ماه محرم بحث سیاسی نکنید!»، امام(ره): گریه بر امام حسین(ع) یک مسأله سیاسی است، امام حسین(ع) پی‌ریز تمدنی بود که تمدن دیگری در مقابل مقاومت کرد

- برخی می‌گویند: «در ماه محرم بحث سیاسی نکنید!» پس در محرم باید چه کار کنیم؟ مگر امام حسین(ع) نماینده یک مردم و تفکر نبود و مگر بزید، نماینده یک مردم و تفکر نبود؛ مگر این تفکرها آثار و ابعاد اجتماعی نداشتند؛ اصلاً حضرت امام(ره) می‌فرمود گریه بر امام حسین(ع) سیاسی است. (این جنبه سیاسی این مجالس بالاتر از همه جنبه‌های دیگری که هست....مسئله، مسئله گریه نیست. مسئله، مسئله تباکی نیست. مسئله، مسئله سیاسی است؛ صحیفه امام/13 / 323. عزاداری کردن برای شهیدی که همه چیز را در راه اسلامداد، یک مسئله سیاسی است؛ همان، ص 327)

- مگر تمدن یک موضوع سیاسی نیست؟ بلکه فراتر از موضوع سیاسی است؛ البته سیاسی نه به معنای جناحی و دعواهای چپ و راست دروغین! امام حسین(ع) مردم داشت و این مردم هم ابعاد و آثار اجتماعی داشت، پس می‌توان گفت که امام حسین(ع) نماینده و پی‌ریز یک تمدن بود که یک تمدن دیگری در مقابل او مقاومت کرد.

«جنگ تمدن‌ها» و «گفتگوی تمدن‌ها» شکل نخواهد گرفت، آنچه تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» است

- چند سخن مشهور درباره تمدن‌ها وجود دارد که به عنوان پیش‌درآمدی برای بحث تمدن مهدوی، بیان می‌کنیم. دو تعبارت مشهور هست که حتّم برای شما هم آشنا است: یکی «جنگ تمدن‌ها» و یکی هم «گفتگوی تمدن‌ها». یادتان باشد که هیچ کدام از اینها شکل نخواهد گرفت. آن چیزی که تحقق پیدا خواهد کرد «تبدل و جایگزینی تمدن‌ها» خواهد بود.

- دعوت به گفتگوی تمدن‌ها ساده‌لوحی است، چون تمدن باطل اهل گفتگو نیست، مگر گفتگو با سربریدن امکان دارد؟! گفتگوی تمدن‌ها شکل نمی‌گیرد و اصلًا شکل گرفتنی نیست، ساده‌لوحی است که انسان دعوت به گفتگو تمدن‌ها کند، چون تمدنی که باطل باشد اهل گفتگو نیست. اگر در تمدنی، غلبه با باطل باشد، نمی‌شود با آن گفتگو کرد، شاید بشود می‌باشه کرد، ولی نمی‌شود گفتگو کرد. مثلاً آیا الان غربی‌ها با تمدن اسلامی گفتگو می‌کنند یا در آن داعش را تزریق می‌کنند؟ آیا این گفتگو است؟ مگر گفتگو با سربریدن امکان دارد؟!

- تمدن باطل خود به خود دچار فروپاشی و اضمحلال می‌شود، مثل فروپاشی بلوک شرق که جلوه‌ای از تمدن غرب بود آیا جنگ تمدن‌ها-که حرف جدی تری بود- تحقق پیدا خواهد کرد؟ نه؛ ما به این هم معتقد نیستیم. چون یک تمدن وقتی باطل باشد، فروپاشی می‌شود. قرآن کریم می‌فرماید: «إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا» (اسراء/81) اصلًا از نبود، سخن به میان نمی‌آید. وقتی سخنی باطل بود، خود به خود مضمحل می‌شود. مثل فروپاشی بلوک شرق؛ البته آن هم یک جلوه‌ای از تمدن غرب بود. وقتی آن جلوه‌اش فرو ریخت، این جلوه‌اش هم فرو می‌ریزد؛ بجهه که زدن ندارد!

برخورد امام حسین(ع) با یک تمدن بود، پیام عمیق حسین(ع) به همه مظلومان تاریخ؛ اگر شما تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند

- بنابراین، برخورد امام حسین(ع) با یک تمدن بود. البته امام حسین(ع) رفت که برخورد کند، اما نشد و در مسیر بازگشت بود که او را محاصره کردند. در واقع امام حسین(ع) با آن تمدن نجنگید، بلکه آن تمدن بود که امام حسین(ع) را به قتل رساند و این نهایت مظلومیت امام حسین(ع) است.

- یک وقت فکر نکنیم که «امام حسین(ع) برای امر به معروف و نهی از منکر شمشیر برداشت، حمله کرد و به شهادت رسید!» نه، ماجرا این طور نبود. امام حسین(ع) حرکت کرد ولی مردم او را محاصره کردند. بعد امام حسین(ع) فرمود: «خُبْ مِنْ بَرْمَيْرَدْ» ولی نگذاشتند برگردد و او را به قتل رسانند و این خیلی نامردی بود که داغ مظلومیت را بالا می‌برد و شدت جنایتکاری آن تمدن را افزایش می‌دهد.

- امام حسین(ع) می‌خواست به ما بگوید: «تمدنی که سخيف و باطل است، مهم نیست که شما با آن کاری نداشته باشید؛ او با شما کار دارد» و این خیلی پیام عمیق‌تر، حکیمانه‌تر و نافذتری بود، نسبت به اینکه صرفاً بخواهد به ما دستور بدهد که «قیام کنید» البته بنده نمی‌گوییم که «قیام» در دستور کار امام حسین(ع) نبود! بله، قیام بود ولی از این درس بالاتر این بود که «اگر آن تمدن باطل را رها کنید، او شما را رها نمی‌کند» و این خیلی معنای عمیقی دارد، این پیامی به همه مظلومان تاریخ است.

- بنده این عبارت از آقای سید حسن نصرالله را خیلی فشنگ می‌دانم که برای دریافت پیام فوق به ما کمک می‌کند، ایشان می‌فرمود: ما به سوریه می‌روم و از خودمان دفاع می‌کنیم و این بهتر از آن است که در خانه‌های خودمان بنشینیم تا بیانند مثل چهارپا سر از بدن ما جدا کنند! خبرگزاری فارس، خبر 13920525000681 این پیامی است که ایشان از امام حسین(ع) گرفته است که: «ای مظلومان تاریخ، شما اگر با آنها (ظالمان) کار نداشته باشید، آنها با شما کار دارند، پس جلو بروید.»

مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت یک مردم است/ مردم حسین(ع) «تمدن اسلام با محوریت ولایت» است/ تمدن مهدوی همان تمدن حسینی است

- مظلومیت امام حسین(ع) مظلومیت یک مردم است و ما الان به این مردم کلمه‌ای اطلاق می‌کنیم به نام «تمدن»؛ تمدنی که می‌خواست شکل بگیرد، و اگر مردم کوفه پای امام حسین(ع) می‌ایستادند، این تمدن شکل می‌گرفت و مدتی هم پیامبر اکرم(ص) و امیر المؤمنین(ع) تلاش کردند که این تمدن شکل بگیرد اما نگذاشتند. یعنی نگذاشتند «تمدن اسلام با محوریت ولایت» شکل بگیرد و رفتند یک تمدن دیگری را درست کردند.

- تمدن اسلام با محوریت ولایت باید برقرار شود و بشریت راه سعادتی جز این نخواهد داشت و تمدن مهدوی در واقع همان تمدن حسینی است؛ هیچ فرقی ندارد. مردم امام حسین(ع) که یک مردم شخصی نبود!

- وقتی یک دین می‌آید و یک سری دستورات شخصی می‌دهد، این دستورات وارد جامعه می‌شوند و مناسبات اجتماعی را تعریف می‌کنند. مثلاً این دستور که «ربا حرام است» یا «حدود و دیات به این شکل است...» یا «اعتقاد به امامت» و «امر به معروف و نهی از منکر» و... اینها عناصر یک تمدن هستند و یک تمدن را شکل می‌دهند.

من خواستند امام حسین(ع) را در منا به قتل برسانند، ظاهراً از قدیم، طرح بوده که منا قتلگاه باشد!

- امام حسین(ع) به سمت مکه حرکت کرد. و بیزد هم مأمورانی را فرستاد که ایشان را همانجا ترور کنند و به او زمان ندهند. آنها می خواستند امام حسین(ع) را وقی می خواهد به سمت منا برود به قتل برسانند. ظاهراً از قدیم، طرح بوده که منا قتلگاه باشد. اما امام حسین(ع) حج خود را تبدیل به عمره کرد.
- امام حسین(ع) به سمت کربلا حرکت کردند، و آنها حر را فرستادند که امام حسین(ع) را متوقف کند. به حر گفته بودند که امام حسین(ع) نه بر می گردد و نه به کوفه می آید. به حسین(ع) زمان ندهید. ولی امام حسین(ع) زمان می گرفت. وقتی حسین(ع) در کربلا متوقف شد و سپاه عمر سعد آمد، عمر سعد شروع کرد به اینکه امام حسین(ع) را راضی کند که تسليم شود و امام حسین(ع) سعی کرد که عمر سعد را یک مقدار سر عقل بیاورد. شمر وسط میدان آمد و به عمر سعد گفت: «عبدالله گفته است که به حسین(ع) زمان نده! اگر تو این کار را نمی کنی، فرماندهای لشکر را به من بده تا او را به قتل برسان»

آخرین تلاش موفق امام حسین(ع) برای گرفتن زمان.../ ادامه این زمان را زینب کبری(س) از دشمنان گرفت

- آنها عصر تاسوعا حمله کردند تا کار را تمام کنند. آخرین تلاش امام حسین(ع) برای گرفتن زمان، تقاضایی بود که از برادرش عباس(ع) داشت. فرمود: «برو به اینها بگو که یک شب به ما مهلت بدنهند» این آخرین تلاش موفق حسین(ع) برای زمان گرفتن بود؛ تا زمان بگیرد و این حمامه به زیبایی اجرا شود.
- اما ادامه این زمان را زینب کبری(س) از دشمنان گرفت، ما همه برای اسارت زینب(س) سوگواری می کنیم اما تصور کنید که زینب(س) و بچه ها را با احترام سوار بر محمول های می کردند و به مدینه برمی گردانند و خون امام حسین(ع) را هدر می دادند. اگر به زینب(س) احترام می گذاشتند شاید می توانستند حسین(ع) را در دل تاریک تاریخ به فراموشی بسپارند. و این خیلی جنایتکارانه تر بود. این شیوه آنجلی بود که آمدن قبرستان بقیع را بشکافند تا قبر فاطمه(س) را بیرون بیاورند و بر آن نماز بخوانند...



• یکوقت شما فکر نکنید که ما به جنگ تمدن ها معتقد هستیم! ما به نجات بشر معتقد هستیم و ما فقط زمان می کنیم که آن تمدن دچار فروپاشی شود و این تمدن شکل بگیرد. یعنی زمان می خواهیم که بطلان آن تمدن، بیشتر اثبات شود و حقایق این تمدن هم بیشتر به اثبات برسد.

فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن نیست / مظاهر خوبی های تمدن غرب، در تمدن اسلامی بهتر تحقق پیدا می کند

• ما می گوییم که تمدن ها شبیه یک مسابقه «دوی امدادی» سعادت بشر را به همدیگر تحويل می دهند. البته ممکن است شما تلقی بفرمایید که بنده با این سخن، دارم از تمدن غرب تعریف می کنم، اما نه؛ من دارم از فطرت بشر تعریف می کنم. فطرت بشر در درازمدت قابل فریب دادن نیست. در ادامه بحث، برخی مظاهر خوب تمدن تمدن غرب شده است بینید که چگونه باید نهضت رفع سوء تفاهم ایجاد کرد تا هر کسی که به خاطر این مظاهر خوبی ها، شیفتۀ رسیدن به آن خوبی ها هست.

• مثلاً اگر در تمدن غربی از آزادی سخن به میان آمده است، در دین ما این آزادی آنقدر قشنگتر بیان شده و برای تحقیق آزادی طرح ریزی شده که مقدار سوء استفاده از مفهوم آزادی کمتر می شود. البته آنها با مطرح کردن «آزادی» مردم را تحریک کرند و این تحریک مردم برای آزادی باقی مانده است ولی آزادی تحقق پیدا نکرده است، لذا آن مردم، تشنّه آزادی حقیقی می شوند و آن را در اینجا (در تمدن اسلامی) پیدا می کنند. درباره تمام خوبی های دیگر نیز همین طور است، از جمله مشارکت عمومی و...

اگر به حق زمان داده شود، حقایق خودش را اثبات خواهد کرد/ در جریان کربلا، عنصر زمان، عنصر عجیبی بود
ما الان نیاز به فرصلت داریم، در جریان کربلا، عنصر زمان، عنصر عجیبی بود. وقتی امام حسین(ع) در مدینه برای بیعت احضار شد و به دارالعماره رفته بود، یاران حسین(ع) بیرون ایستادند و امام حسین(ع) وارد دارالعماره شد. قرار گذاشتند که اگر امام حسین(ع) جوانان بنی هاشم، وارد دارالعماره شوند و به یاری حسین(ع) بشتابند (قرآن الحسینُ مَا أَرَادَ فَدَعَتْ جَمَاعَةً مِنْ مَوَالِيهِ وَ أَمْرَهُمْ بِحَمْلِ السَّلَاحِ وَ قَالَ اخْلِسُوا عَلَى الْبَابِ فَإِذَا سَمِئْتُمْ صَوْتِي قَدْ عَلَا فَادْخُلُوا عَلَيْهِ وَ لَا تَخَافُوا عَلَيْهِ؛ اعلام الوری/222) والی مدینه به امام حسین(ع) گفت: باید با بیزد بیعت کنی ولی امام حسین(ع) نپذیرفت. مروان که آنچه نشسته بود، به والی مدینه گفت که همین الان کار حسین(ع) را بساز و به او زمان نده و الا ما را بیچاره خواهد کرد (فَقَالَ مُرْوَانُ وَ اللَّهُ كَيْنُ فَارَقَ الْحُسْنَيْنُ السَّاعَةَ وَ لَمْ يُنَاجِ لَأَنَّهُ مِنْهُ عَلَى مِلْهُمَا أَبَدًا حَتَّى يَكُرُّ الْفَتْنَى بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ فَلَا يَخْرُجُ مِنْ عِنْدِكَ حَتَّى يُنَاجِ أَوْ تَصْرِبَ عَقْدَهُ؛ همان)

• مروان در اوج نادانی خودش در واقع داشت به مطلب درستی اشاره می کرد، اینکه به حق زمان نده و الا حق، حقایق خودش را اثبات خواهد کرد. در آنجا بود که امام حسین(ع) به مروان نهیب زد که «تو می خواهی مرا بکشی؟!» آنها از این نهیب حسین(ع) ترسیدند و ایشان را رها کردند (فوتبَ عِنْدَ ذِكْرِ الْحُسْنَيْنِ عَ وَ قَالَ أَنْتَ يَا ابْنَ الزَّرْقَانَ تَقْتُلَنِي أَوْ هُوَ كَيْتَ وَ اللَّهُ وَ أَئْمَتْ فَخَرَجَ؛ همان)